

شگردهای بی‌نظیر سعدی در رقابت با حافظ و فردوسی!

گفت‌وگو با دکتر مهیار علوی مقدم که باور دارد هیچ شاعری مانند سعدی ظرفیت زبان فارسی را به کار نگرفته‌است

که سرودن و نگاشتن مانند آن، دشوار است و این سهل ممتنع بودن زبان سعدی، با لحن کلام او پیوند دارد.

سعدی و حافظ دو شاعر برجسته در زمینه غزل سرایی هستند؛ تفاوت مفهوم «عشق» در غزل این دو در چیست؟

سیر تحول غزل در شعر حکیم سنایی و متناسب با ویژگی‌های زبانی و سبکی قرن ششم هجری آغاز و تاروز کار حافظ دچار فراز و فرودهایی می‌شود. از سده ششم تا هشتم هجری، شاعرانی لفظ غزل را دچار تحول می‌کنند که سعدی، میدان‌دار آن هاست و در محور معنایی مولانا سرآمد است. به این ترتیب، سعدی قرن ۷-۶ هجری قمری، قهرمان بلامناع غزل عاشقانه می‌شود که به لفظ و فرم، گرایش دارد و مولانای قرن هفتم، قهرمان بی‌مانند غزل عارفانه که عمدتاً با معنا پیوند دارد و تمام ویژگی‌های لفظ و معنا را این دو غزل بازنتاب پیدا می‌کند. در این سیر تحولی غزل در شعر فارسی، به‌خورد می‌کنیم با حافظ که غزل را هم در لفظ و هم در معنا متحول کرده‌است. به این ترتیب، عشق در شعر سعدی، یک چهره دارد و آن لفظ است، ولی در شعر حافظ، عشق دارای دو چهره لفظ و معناست. از این رو غزل حافظ، آمیزه‌ای است از تحول در لفظ و معنا؛ یعنی آمیزه‌ای از عاشقانه‌سرایی سعدی و عارفانه‌سرایی مولانا. حافظ، جامع سعدی و مولاناست.

در حماسه‌پردازی در قالب مثنوی، حافظ در عارفانه-عاشقانه‌سرایی در قالب غزل، اما سعدی هم در غزل، هم در قصیده و هم در مثنوی و نیز در نثر. شاید هیچ شاعر و نویسنده‌ای همانند سعدی در این سطح گسترده، در چندین قالب شعری و نیز در نثر قلم‌نדה‌است. بخشی از این توانمندی سعدی، بیش از آن که با زبان، ساخت نحوی و واژه‌گزینی او در پیوند باشد، با لحن او مربوط است که با زتاب حالت نویسنده نسبت به خواننده و نسبت به موضوع است و لحن، زبان و دیگر عناصر زبانی را در بر می‌گیرد. او در لحن، نوآور و تأثیرگذار است. این لحن سعدی به گونه‌ای است که از آن به «سهل ممتنع» یاد می‌کنند.

زبان «سهل ممتنع» به چه معناست؟
«سهل ممتنع» یعنی آسان غیرممکن؛ کاری که ظاهر آسان و قابل انجام به نظر می‌رسد، اما در عمل، دشوار و غیرممکن است. وقتی می‌گوییم سبک سعدی، سهل ممتنع است؛ یعنی خوانندگان با خواندن شعر و نثر سعدی، به دلیل زبان روان و شیوایی که دارد، ممکن است به نظرشان برسد که سرودن این گونه شعر با نوشتن این گونه نثر، آسان است، اما این زبان روان و ساده، چنان استحکام و قدرت جادویی دارد



طریق «لحن»، یعنی انتخاب لحن و تنوع آن. لحن سعدی در این حوزه با تمام شاعران و نویسندگان اندرزگو متفاوت است و جالب آن که این لحن اندرزی و اخلاق‌مدارانه که سرشت آن، خشک است و به دور از طراوت، در آثار سعدی، از رنگی دیگر است؛ به گونه‌ای که لحن اندرزی سعدی در قصیده‌هایش، خطابی، امرانه و تند می‌شود و در بوستان، آمرانه، مهربان و پدرا نه. حتی این لحن در گلستان، با طراوتی شگفت‌انگیز و تأثیرگذار همراه است. سعدی در این‌پند و اندرز دادن، خواننده را مختار می‌کند؛ مثلاً می‌گوید: «راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود/ راهی به سوء عاقبت، اکنون مخیری» یا «من آن‌چه شرط بلاغ است با تو می‌گویم/ تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال». لحن سعدی در اندرز نامه‌ها به الگویی برای شاعران و نویسندگان پس از او تبدیل شد. به گمان من، تأثیر «سعدی ناصح» یا «معلم» بر میراث ادبی ما بیش از «سعدی عاشق» است؛ سعدی به حوزه اخلاق ما، طراوت و اختیار بخشیده‌است.

سعدی در حیطه زبان فارسی چه ابتکارها و خلاقیت‌هایی به خرج داده‌است؟
شاید کمتر کسی از شاعران، قدرت بیان سعدی را داشته باشد. حکیم فردوسی

الیه آرنیان - اول اردیبهشت ماه جلالی است و «بلبل گوینده بر منابر قُضبان»؛ روزی فرخنده برای ادب و فرهنگ این سرزمین که با نام شیخ اجل، سعدی شیرازی پیوند خورده‌است. هر چه از میراث سعدی و خدماتش به زبان فارسی بگوییم، کم گفته‌ایم. این شاعر و نویسنده قرن هفتم هجری تا توانست ظرفیت‌های ویژه زبان فارسی را نشان داد و از آن‌ها بهره‌برد. تفاوتی نمی‌کند گلستان را بخوانید یا بوستان، در غزلیاتش گشتی بزنید یا زبان محکمش در قصاید را دنبال کنید؛ سعدی چه در ادب تعلیمی و چه در ادب غنایی سرآمد ادیبان زبان فارسی است. در روز بزرگداشت سعدی شیرین سخن با دکتر مهیار علوی مقدم، استاد ادب فارسی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

سعدی به میراث ادبی ما چه چیزی اضافه کرده‌است؟
آثار سعدی از نظر موضوع دو گونه است: آثاری با درون‌مایه پند و اندرز و اخلاقی و آثاری با درون‌مایه تغزلی و غنایی و عاشقانه. بر این اساس، گویا ما دو سعدی داریم: «سعدی ناصح» و «سعدی عاشق». او موجب غنای ادبیات تعلیمی شده و این حوزه را در میراث کهن سال‌پند و اندرز ایران قبل و بعد از اسلام، هر چه بیشتر فربه کرده‌است، اما چطور سعدی، خواننده را از ملال و خستگی که ذات این گونه ادبی است، دور می‌کند؟ از



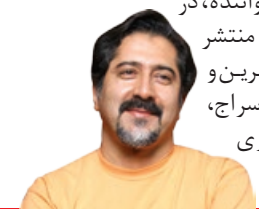
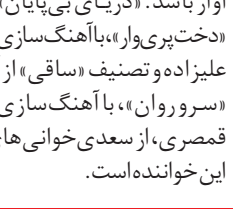
گروه ادب و هنر - گفتیم که عقل از همه کاری به‌در آید/ بیچاره فروماند چو عشقش به سر افتاد»؛ در ادبیات فارسی، عاشقانه‌های منظوم با ابیات شیخ اجل به اوج می‌رسند و جلوه زبان شیرین فارسی و قابلیت گسترده آن برای ابراز عواطف و احساسات، با خامه سعدی بزرگ به رخ جهانیان کشیده می‌شود. امروز، اول اردیبهشت ماه، روز بزرگداشت اوست و طبق رسالتی که صفحه ادب و هنر روزنامه خراسان بر عهده دارد، باید از او بگوییم و صفحه را به نامش، بیاراییم؛ اما چگونه می‌شود سعدی را در قالب چند سطر و گفت‌وگو، توصیف و حق وی را، چنان که شایسته اوست، ادا کرد؟ ادیبی که در میدان نظم و نثر، چایک‌سواری بی‌هماور داشت و در میدان حکمت و معرفت، دانایی کم‌نظیر. آن‌چه امروز در صفحه ادب و هنر در باره سعدی می‌خوانید، تلاشی است برای قدر دانستن و گرامیداشت خداوند کار ادب فارسی در روز بزرگداشت او.

خلسه شهرام ناظری و همایون شجریان در ضیافت‌های غزل سعدی

اشعار نغز شیخ اجل، بر شوق آواز خوانی کدام خواننده‌های معاصر افزوده‌است؟

که با استفاده از شعر سعدی، آثاری بدیع و جاودانده‌پدید آورده به این ترتیب، در انتشار آثار او، نقشی مهم ایفا کرده‌اند. به مناسبت این روز، می‌خواهیم با هم مروری داشته باشیم بر نام‌خواننده‌های معاصر که با سعدی در انتشار مضامین بلند شعری او، شریک شدند و آثار فاخر آن‌ها، باعث معرفی بیشتر شیخ اجل به ایرانیان و فارسی‌دوستان شده‌است.

علیرضا قربانی
نمی‌توان علیرضا قربانی را هوادار سعدی دانست و هوادار مولانا نه. اشعار آثار او، آمیخته‌ای از شعر اغلب شاعران کلاسیک ایرانی است، از حافظ، سعدی و مولانا گرفته تا ابوسعید ابوالخیر، عارف قزوینی، ابته‌هاج عطّار. سعی قربانی نیز بر این بوده‌است که اجراهایش روی شعر سعدی، به‌صورت آواز باشد. «دریای بی‌پایان» از آلبوم «دخت‌پری‌وار»، با آهنگ‌سازی مهیار علیرزاده و تصنیف «ساقی» از آلبوم «سروروان»، با آهنگ‌سازی علی قمصری، از سعدی خوانی‌های این خواننده‌است.



حسام‌الدین سراج
حسام‌الدین سراج از آن دسته خواننده‌هایی است که آثارش به شعر شاعران کلاسیک فارسی پیوند خورده‌است. او در آلبوم‌های «بوی بهشت»، «آینه و آه» و «شب عاشقان»، از اشعار شیخ اجل بهره برده‌است. همچنین، تصنیف «سر مست» از جمله آثار سراج است که با شعر سعدی و آهنگ‌سازی این خواننده، در آلبوم «ماه نو»، در سال ۸۳ منتشر شد. افزون بر این، «شیرین و فرهاد» از دیگر آثار شنیدنی سراج، با شعر سعدی و آهنگ‌سازی محمد جواد ضرابیان است.



سالار عقیلی
رہپای سعدی در آثار سالار عقیلی هم دیده می‌شود. هر چند این خواننده این روزها بیشتر از آثار غزل‌سرایان جوان کشورمان استفاده می‌کند، اما در کارنامه هنری‌اش کم نیستند آثاری که با نام سعدی گره خورده‌اند. آلبوم «سایه‌های سبز» به آهنگ‌سازی «ارشاد طهماسبی»، نمونه‌ای از این کارهاست. این آلبوم مانند دیگر آلبوم‌های سنتی، همراه با ساز و آواز نیست و قطعه‌های آن بر پایه تصنیف ساخته شده و بعداً هر تصنیف، قطعات تک‌نوازی در آلبوم قرار گرفته‌است.

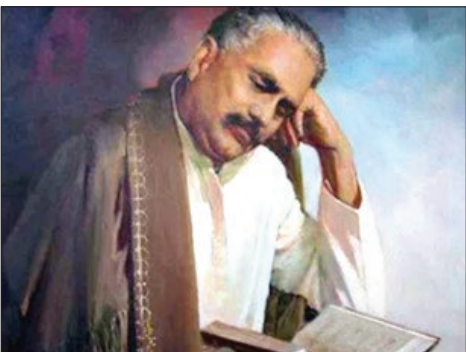


همایون شجریان
همایون شجریان اشعار زیادی را از سعدی، در آلبوم‌های مختلف اجرا کرده‌است؛ اما نکته مشترک همه این اجراها این است که همایون در این آثار، اشعار سعدی را به آواز ایرانی برده. «تورا نادیدن ما غم نباشد» از آلبوم «فیّز ک کولی»، «وه که جدا نمی‌شود نقش تو از خیال من» از آلبوم «نقش خیال» و «مگر نسیم سحر بوی زلف یار من است» از آلبوم «نسیم وصال» گوشه‌ای از سعدی خوانی‌های همایون را تشکیل می‌دهد.



شهرام ناظری
شهرام ناظری با مولانا بیش از دیگر شاعران ایرانی جور است؛ اما علاقه و تسلط این خواننده بزرگ به ادبیات فارسی، او را از سعدی غافل نکرده‌است. شهرام ناظری در آلبوم‌های «باد صبا می‌آید»، «نوروز»، «بنمای رخ»، «کیش مهر»، «بی‌قرار» و «غم‌زیبا» به سراغ اشعار سعدی رفته‌است. تصنیف «من چرا دل به تو دادم»، با آهنگ‌سازی محمد جلیل عندلیبی و «بگذار تا بگرییم، چون ابر در بهاران» از به یادماندنی‌ترین همکاری‌های شهرام ناظری و سعدی است.

گفت‌وگو با دکتر محمدحسن مقیسه در سالروز درگذشت علامه اقبال اکسیر مولانا در فارسی‌سُرایی اقبال

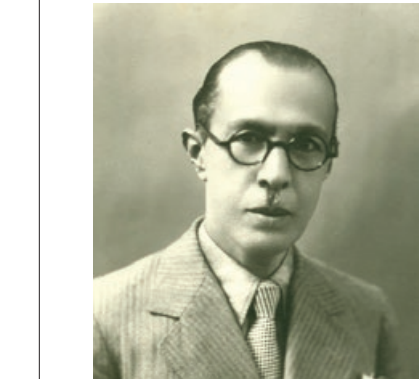


ستاره منوچهری - در قلمروی پهناور زبان فارسی که تا قلب شبه‌قاره هند افرای می‌گیرد، به شاعر و متفکری بزرگ بر می‌خوریم که یکی از سرآمدان شعر فارسی در دوران معاصر است. محمد اقبال لاهوری، شخصیت برجسته اهل پاکستان و شاعر ملی این کشور محسوب می‌شود؛ کسی که زبان فارسی را برای بیان اندیشه‌هایش انتخاب کرد و دبلیستگی فراوانی به مولانا داشت و این تأثیرپذیری را می‌توان در اشعارش دید. اقبال لاهوری با شعر خود، روح همدلی و وحدت را در مسلمانان بیدار کرد تا از مطالبه آزادی و عدالت دست نکشند. در سالروز درگذشت این چهره معاصر ادب فارسی با دکتر محمدحسن مقیسه، اقبال‌پژوه، گفت‌وگو کرده‌ایم.

اقبال لاهوری چه شخصیتی داشت؟
اقبال شخصیتی چندگانه دارد؛ ایشان سیاستمدار، قُرآن‌پژوه، تاریخ‌دان، ادیب و شاعر و نیز بنیان‌گذار کشور بزرگ‌مسلمان پاکستان است. برجنگ‌ترین وجه شخصیت اقبال این است که او به فلسفه و عرفان اسلامی کاملاً مسلط است و یک دستگاه فلسفی مستقل دارد که در آن برای اولین بار، موضوعی به نام «خودی» را مطرح کرده‌است. فلسفه خودی اقبال، به جای تکیه کردن بر دیگران، بر نیروهای درونی انسان‌ها تکیه دارد. بر همین مبنا، به نظر او انسان مسلمان زنده‌دل است و از نیروهای معنوی و درونی خود به‌خوبی استفاده می‌کند و با همین نیروها می‌تواند جهانی بهتر در همین کره خاکی بسازد. از این رو می‌گوید: «مذهب زنده‌دلان خواب پریشانی نیست / از همین خاک جهان دگری ساختن است».

چرا اقبال لاهوری زبان فارسی را برای بیان اندیشه‌هایش انتخاب کرد؟
اقبال به چهار زبان انگلیسی، آلمانی، عربی و اردو مسلط بود و در پاسخ به هموطنانش که به او اعتراض می‌کردند چرا به زبان مادری خودت، یعنی اردو شعر نمی‌گویی، گفت زبان فارسی است که می‌تواند آن‌چه رادرون دل و اندیشه‌ام وجود دارد، به دیگران منتقل کند. در دیوان اقبال، ما با ۱۵ هزار بیت روبه‌رو هستیم که از این بین، شش هزار بیت به زبان اردو و ۹ هزار بیت به زبان فارسی سروده شده‌است.

اقبال دبلیستگی فراوانی به مولانا داشت؛ به طور کلی شاعران بزرگ فارسی‌زبان تا چه حد بر شعر و کلام او تأثیرگذار بوده‌اند؟
اقبال چگونه سرودن را از سعدی، حافظ، عطّار و جامی، چگونه اندیشیدن را از حلاج چه گفتن را از سنایی، مولانا



زمان انتشار شعر، با فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان همزمان است و در واقع عرض تبریکی است بابت پیروزی مردم بر استبداد: «اهلا و سهلا ای نسیم بهار / ای قاصد زلف‌یار / از زلف‌باری‌ای چه داری بیار / ای کاروان تبار / ... / بادانگهدار ت به لیل و نهار / لطف خداوند کار».

الحمدلله...
ترجیع‌بند «می‌ده که طی شد دوران جانکاه»، سروده ملک‌الشعرا بهار، نخستین بار روز پنج‌شنبه، ۳۱ تیر ۱۲۸۸ در شماره ۲۱ روزنامه خراسان منتشر شد؛ این شعر، اولین سروده‌ای از بهار است که با نام او در روزنامه منتشر می‌شود و دلیل



طرب‌انگیز نبینی که همان / خاک مصر است و لی بر سر فرعون و جنود». این مخمس که نسبتاً طولانی است، مانند بیشتر اشعار بهار در این دوره و در روزنامه خراسان، محتوایی سیاسی دارد و خطاب به محمدعلی شاه سروده شده‌است.

اهلا و سهلا ای نسیم بهار
قصیده مسط‌مستزاد «اهلا و سهلا ای نسیم بهار»، نخستین بار در روز پنج‌شنبه، ۲۴ تیر ۱۲۸۸ در شماره‌های مکرر ۲۰ و ۲۱ روزنامه خراسان منتشر شد.

جواد نوائیان رودسری - به استناد نوشته ملک‌الشعرا بهار، در جلد نخست کتاب «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران»، اولین روزنامه‌ای که اشعار وی را منتشر کرد، روزنامه خراسان با مدیر مسئولی سیدحسین اردبیلی بود که در اسفندماه سال ۱۲۸۷، در شهر مشهد منتشر شد؛ ملک‌الشعرا یکی از دست‌اندرکاران روزنامه بود و برخی از اشعار او، برای نخستین بار از طریق روزنامه خراسان، به دست مردم رسید. این سروده‌ها میراث‌گران قدر ادبی بهار در روزنامه خراسان و راوی روزگاری است که مردم در برابر استبداد صغیر به‌پاخاسته بودند. به مناسبت سالروز درگذشت این شاعر نامدار و معاصر، به‌مروز چهار نمونه از اشعار او در روزنامه خراسان می‌پردازیم.

ملکا جور مکن
«ملکا جور مکن»، با عنوان «تخمیس وطنی»، مخمسی است سروده ملک‌الشعرا بهار که نخستین بار روز پنج‌شنبه، ۹ اردیبهشت ۱۲۸۸ در شماره ۱۰ روزنامه خراسان انتشار یافت؛ «ملکا جور مکن پیشه و مشکن پیمان / که مکافات خدائیت بگیرد دامان / خاک بر سر کندت حادثه دور زمان / خاک مصر

طبع آزمایی سهراب در شعر کلاسیک
«بیژن و شهلّا»، مثنوی عاشقانه و ناشناخته سهراب سپهری است

امروز سالروز درگذشت سهراب سپهری است؛ نام سهراب که می‌آید بیشتر مان به یاد دو شعر مشهورش «صدای پای آب» و «مسافر» می‌افتیم. هر دوی این اشعار در قالب شعر نیمایی سروده شده‌اند، اما شاید کمتر کسی بداند که سهراب سپهری شاعری‌اش را با سرودن شعر در قالب‌های کلاسیک آغاز کرد. جالب است بدانید اولین تجربه جدی سهراب سپهری یک منظومه عاشقانه چهار بیت در قالب مثنوی به نام «آرامگاه عشق» است که ماجرای دلدادگی عاشق و معشوقی به نام‌های «بیژن و شهلّا»

